

درس تاریخی از شرایط سخت

برای تحمل این شرایط سخت که تورم ۴۰ درصدی یکی از عوامل آن است و فشار اصلیش متوجه مردم و بیشتر از همه اقشار محروم جامعه است در واقع توجیه سیاسی معقولی وجود ندارد و اگر کسی بپرسد چرا ما باید در چنین اوضاعی به سر ببریم، پاسخ قانع‌کننده‌ای نداریم مگر اینکه مثل همیشه به شعار دادن متوسل شویم و از ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها و تقدم منافع جناحی عبورکنیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، جعفر گلابی در یادداشتی نوشت: در شرایط اقتصادی سختی به سر می‌بریم، چنانچه آزادی ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از نظر روزنامه‌های اصولگرا پیروزی محسوب می‌شود و چه بسا اگر صدها بار لغو کامل تحریم‌ها در برجام را به تمسخر نگرفته بودند حالا این توافق حداقلی و بایسته را فتح‌الفتوح می‌خواندند و یادشان می‌رفت که ما فقط در حوزه نفت نیازمند ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری هستیم، ۱۰ میلیون واحد مسکونی باید ساخته شود و ۵۵۰ هوابیمای مسافری لازم داریم و این همه بخش کوچکی از نیازهای متراکم‌شده کشور است.

برای تحمل این شرایط سخت که تورم ۴۰ درصدی یکی از عوامل آن است و فشار اصلیش متوجه مردم و بیشتر از همه اقشار محروم جامعه است در واقع توجیه سیاسی معقولی وجود ندارد و اگر کسی بپرسد چرا ما باید در چنین اوضاعی به سر ببریم، پاسخ قانع‌کننده‌ای نداریم مگر اینکه مثل همیشه به شعار دادن متوسل شویم و از ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها و تقدم منافع جناحی عبورکنیم.

مشخص است که این شرایط هم امکان عدم وقوع داشتند و هم در حال حاضر می‌شود با درایت و تعهد و بینش صحیح سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برطرف شوند و به شرایط مطلوب برسیم.

یکی از علل اصلی مشکلات اساسی عدم رجوع و اعتماد و تکیه به نظر کارشناسان و صاحب‌نظران و دلسوزان کشور است. وقتی به‌رغم نشانه‌های روشن عوارض انتخابات حداقلی که بارها به صراحت به گوش تصمیم‌گیران رسانده شد توجهی صورت نگرفت طبیعی است که مشکلات و خلل‌ها و آسیب‌ها از هر سو روانه شوند و شاهد وضعی بشویم که برای استفاده از اموال خودمان ماه‌ها و گاهی سال‌ها مذاکره کنیم و با استفاده از انواع ترفندها بخش کوچکی از دارایی‌هایمان آزاد شوند. درواقع ما از طریق سهل‌انگاری‌ها و انواع سیاست‌های غلط به امریکا اجازه این ظلم‌های عظیم را داده‌ایم. مگر می‌شود فراموش کرد که برخی در بالاترین مناصب سیاسی کشور قطعه‌نامه‌های متوالی علیه ایران را ورق پاره نام نهادند و به تمسخر آنها پرداختند؟

اما اکنون می‌توان این سوال تاریخی را مطرح کرد که ما کی از این شرایط سخت و خسارت‌زا عبور می‌کنیم و بازگشتی به آنها نخواهیم داشت؟ چه زمانی برای همه جناح‌ها منافع ملی و آسایش و امنیت و رفاه مردم اصل می‌شود و هیچ‌کس نه توان خواهد داشت از این خطوط قرمز عبور کند و نه دانش و بینش او چنین اجازه‌ای خواهد داد؟ کی حکمرانی خوب و آینده‌اندیش بر اساس واقعیت‌های داخلی و خارجی و مدارا با فکرها و عقیده‌های مختلف و احترام به حقوق همه افراد ملت اجرایی می‌شود و تحت هیچ شرایطی کسی نخواهد توانست منویات شخصی را بر مصالح عمومی ترجیح دهد؟

آن روز حتما و قطعا خواهد رسید ولی شرط اساسیش این است که احساس نیاز به این اصول برجسته و عقلایی و تجربه‌شده چنان در تاروپود ملت ریشه بدواند که عدول از آنها مساوی نابودی تلقی شود.

احساس نیاز به حاکمیت خرد و دوراندیشی و استیلای همه‌جانبه اراده ملت از خود آنها مهم‌تر و واجب‌تر است. باید اعتراف کنیم که هنوز این احساس نیاز و عطش عمیق به امهات مسائل در کشور ما به وجود نیامده است. مگر در صدر انقلاب آزادی همه‌جانبه به وجود نیامد؟ چرا گروه‌های مختلف قدر آن را ندانستند و در دانشگاه‌ها اتاق جنگ تاسیس کردند؟ اسلحه کشیدند و تروریسم کور و سراسری به راه انداختند؟ برخی به ارزش‌ها و اعتقادات اکثریت مردم علنا و مکررا توهین و برخی دیگر تمامیت ارضی را با خطر جدی مواجه کردند! بر این اساس برای خود مردم هم مسجل شد که امنیت و نظم و حفظ کشور اولویت اساسی دارد. اما رفته رفته روشن شد که افزون بر حفظ کشور حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش، آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و قسط و عدالت هم از ضروریات یک زیست سعادت‌مندانه است. متأسفانه عده‌ای هنوز در آن مرحله اولیه باقی مانده‌اند و حتی هنگامی که شرایط بحرانی نیست بعضا خود به بحران‌آفرینی و ماجراجویی می‌پردازند و فراموش می‌کنند که مردم بحق می‌خواهند زندگی آرام و شایسته‌ای داشته باشند.

نه تنها این عده که قدرت هم دارند بلکه برای بسیاری از افراد هنوز اصول جامع توسعه جا نیفتاده است و به اهمیت حاکمیت مطلق قانونی که بر اساس اراده ملی مصوب شده باشد و لزوم احترام به عقاید مخالفان و خشکاندن ریشه‌های فساد و رانت‌خواری پی نبرده‌اند. ما سختی بسیار می‌کشیم ولی هنوز در حال تشنه شدن هستیم و هنگامی به آب گوارا می‌رسیم که همه نخبگان و به تبع آنها آحاد ملت تشنه آزادی و عدالت و زندگی شده باشند. آزادی و عدالت و رفاه برای همه و نه برای عده‌ای خاص و حتی نه برای اکثریت.

هر کجا دردی دوا آنجا رود
هر کجا فقری نوا آنجا رود
هر کجا مشکل جواب آنجا رود
هر کجا کشتیست آب آنجا رود

آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آب از بالا و پست

باید از این شرایط سخت حداکثر استفاده تاریخی را ببریم و نگذاریم که انقطاع حافظه ملی پدید آید و روزی دوباره همه چیز را از صفر شروع کنیم. در همین شرایط سخت است که ضروریات پیش گفته به ملکه ذهنی ملت تبدیل می شود و مثلا لازم نمی شود که برای مسوولی توضیح دهیم سرمایه گذاری نیاز اساسی و استراتژیک کشور است و سرمایه گذاری زمینه امن و فراخ و لوازم ضروری دارد.

منبع: اعتماد